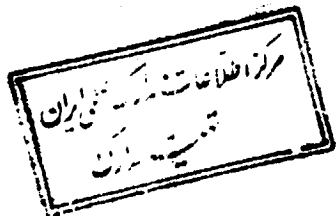




۳۲۲۵۴



۱۳۷۹ / ۱۰ / ۲۰

دانشگاه شهید بهشتی تهران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

رشته:

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

پایان نامه کارشناسی ارشد

9401

موضوع:

بررسی مقابله ای پدیده نفی در زبان فارسی و انگلیسی و

چگونگی آموزش آن به فراگیران انگلیسی زبان

استاد راهنما: جناب آقای دکتر سید محمد ضیاء حسینی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر پرمون

نگارش:

حمید نوذریان

پاییز ۱۳۷۹

۳۲۲۵۴

لینک در تاریخ ۲۸ آبان ماه

۱۳۷۹ دفاع و پذیرفته شد

صاحب



تشکر و قدر دانی

بدیهی است که انجام هر نوع پژوهش علمی به مشاوره و کمک صاحب نظران نیازمند است و این پایان نامه نیز از این امر مستثنی نیست. نگارنده خود را مدیون کسانی می داند که وی را در این راه یاور بوده اند.

از جناب آقایان دکتر ضیا حسینی و دکتر پرمون اساتید راهنما و مشاور کمال تشکر را دارم، چراکه بدون رهنمود های دلسوزانه و تشویق های آنها انجام این رساله هرگز میسر نبود.

همچنین از جناب آقای دکتر دزفولیان مدیر محترم گروه زبان و ادبیات فارسی و آقای دکتر زاهدی به جهت همکاری و راهنمایی های ارزشمندشان و خانم دکتر شقاقی و خانم دکتر نعمت زاده برای زحماتشان در طول تحصیل نهایت سپاس را دارم.

از آقایان دکتر روشنفکر، مدیر، و همکاران ارجمندم آقای صفیعی، معاون آموزشی مجتمع بین الملل پسران تهران به خاطر همکاریشان کمال تشکر را دارم.

در آخر باید از همسر و دخترانم ندا و نگین به خاطر تحمل ساعت ها و روزهایی که باید با آنها به سر می بردم، قدردانی کنم.

چکیده پژوهش

زبان‌شناسان ممکن است بنا به دلایل مختلفی زبانها را با یکدیگر مقایسه کنند. اگر دو یا چند زبان را برای پی بردن به اشتراکات و اختلافات آنها با هم مقایسه کنند، این کار معمولاً در حوزه زبان‌شناسی مقابله‌ای (Contrastive Linguistics) قرار می‌گیرد. روش و فن توصیف در زبان‌شناسی مقابله‌ای به تحلیل مقابله‌ای (Contrastive Analysis) تعبیر شده است. تحلیل مقابله‌ای برای مشخص کردن دقیق مشکلاتی که فراگیران هنگام یادگیری زبان خارجی با آن روبرو می‌شوند، سودمند است. همچنین نقش مهمی در آموزش، ارزیابی، و تهیه و تدوین مواد درسی دارد. اما باید در نظر داشت که تحلیل مقابله‌ای هیچگونه شیوه و راهکاری برای آموزش زبان پیشنهاد نمی‌کند، بلکه فقط ماهیت آموزش را برای روش‌شناسان مشخص می‌کند. و صرفاً با استفاده از آن آموزگاران زبان به چگونگی تدریس زبان دست می‌یابند.

^۱ این پژوهش ابتدا بر آنست که پدیده نفی را در ساختارهای نحوی زبانهای انگلیسی و فارسی با یکدیگر مقایسه و مورد بررسی قرار دهد، سپس بر اساس صورتهای مشکل ساز (problematic) به چگونگی آموزش این پدیده در رفع مشکلات زبان آموزانی که قصد فراگیری نفی زبان فارسی را دارند بپردازد. پرسشی که در این بررسی سعی شده تا به آن پاسخ داده شود، این است که آیا تفاوت‌های دو زبان فارسی و انگلیسی تأثیری در یادگیری زبان فارسی بوسیله فراگیران انگلیسی زبان دارد یا خیر. برای این منظور از سه فرضیه اساسی در باره یادگیری زبان دوم، یعنی فرضیه قوی (Strong Version)، فرضیه ضعیف (Weak Version)، و فرضیه معتدله (Moderate) (کشاورز، ۱۳۷۰، ص ۷) که مطرح شده، فقط به فرضیه نخست اتکا شده است تا ساختارهای نفی را در همین قالب مورد بررسی قرار دهیم. (۱) از اینرو آزمونی برای دانش آموزان انگلیسی زبان پایه‌های مختلف تهیه و به اجرا در

آمدنا مشکلات آنان در یادگیری این پدیده مشخص گردد. از این دانش آموزان خواسته شد تا انواع جملات منفی نوشته شده انگلیسی را به زبان فارسی ترجمه کنند تا خطاهای احتمالی حاصل از تولید آنها مورد بررسی قرار گیرد. بررسی خطاها نشان داد که پدیده نفی در زبان انگلیسی بسیار پیچیده تر از فارسی است و بیشتر فراگیران فرآیند منفی سازی را به خوبی یاد گرفته اند و در مواردی از این فرآیند هم در فعل ساده و هم در فعل مرکب استفاده کرده اند. از این رو می توان نتیجه گرفت که فرآیند منفی سازی برای فارسی آموزان انگلیسی زبان بطور نسبی آسان بوده و در مقایسه با بسیاری از ساختارهای دستوری دیگر مانند حروف تعریف، شخص و شمار سریع تر فراگرفته می شود.

با این همه، مواردی چون جایگاه نشانه نفی، نفی مکرر (Double Negative) ، عناصر و قید های منفی کننده ، جمله های سوالی - منفی و وجود ابهام در برخی از ساختار های منفی فارسی و انگلیسی از جمله پدیده های هستند که ممکن است موجب بروز اشکال در یادگیری شوند. در بخش سه این موارد مورد بررسی قرار خواهند گرفت. بخش چهارم به تجزیه و تحلیل خطاهای تولید شده خواهد پرداخت. و بخش آخرین پیشنهاداتی را مبنی بر چگونگی آموزش این پدیده در خود خواهد داشت.

همچنین ، با توجه به پیش بینی های بر آمده از مقابله دو زبان، مشخص خواهد شد که درباره ای از موارد با خطاهایی روبرو می شویم که هرگز بوسیله تجزیه و تحلیل مقابله ای پیش بینی نشده اند. در جریان کار مقابله پدیده نفی در هر دو زبان ، گونه های گفتاری و نوشتاری معیار، ملاک قرار خواهند گرفت و در این میان زبان انگلیسی به عنوان زبان مبدا و فارسی زبان مقصد منظور خواهند شد.

(1) از آقای دکتر ضیاء حسینی ، به خاطر کمک به دستیابی این مطلب، کمال تشکر را دارم.

راهنمای علائم و اختصارات

الف (علائم آوانویسی) (Transcription)

ترجمه انگلیسی	مثال فارسی	نشانه
(head)	/sar/	/a/
(heart)	/del/	/e/
(two)	/do/	/o/
(wind)	/ba:d/	/a:/
(early)	/zud/	/u/
(sharp)	/tiz/	/i/
(wind)	/ba:d/	/b/
(door)	/dar/	/d/
(skill)	/fan/	/f/
(wolf)	/gorg/	/g/
(lip)	/lab/	/l/
(bag)	/kif/	/k/
(man)	/mard/	/m/
(name)	/na:m/	/n/
(feather)	/par/	/p/
(way)	/ra:h/	/r/
(green)	/sabz/	/s/
(weight)	/vazn/	/v/
(pocket)	/jib/	/j/
(print)	/cha:p/	/ch/
(dinner)	/sha:m/	/sh/
(deep)	/zharf/	/zh/
(later)	/ba?d/	/ʔ/
(good)	/xub/	/x/
(pen)	/qalam/	/q/
(one)	/yek/	/y/

(Abbreviations) ب) اختصارات

مفهوم	علامت
<i>Adjective</i>	<i>Adj.</i>
<i>Adverb</i>	<i>Adv.</i>
<i>Auxiliary</i>	<i>Aux.</i>
<i>Contrastive Analysis</i>	<i>CA.</i>
<i>Conjunction</i>	<i>Conj.</i>
<i>Determiner</i>	<i>Det.</i>
<i>Noun</i>	<i>N.</i>
<i>Negative</i>	<i>Neg.</i>
<i>Noun Phrase</i>	<i>NP</i>
<i>Question</i>	<i>Q</i>
<i>Sentence</i>	<i>S</i>
<i>Singular</i>	<i>Sg.</i>
<i>Sentence Modifiers</i>	<i>SM</i>
<i>Tense</i>	<i>Tns.</i>
<i>Verb</i>	<i>V</i>
<i>Verbal</i>	<i>VB.</i>
<i>Verb Phrase</i>	<i>VP</i>

ع- فهرست مطالب

صفحه

• بخش اول: مقدمه

- ۱.۱. پیشگفتار ۱۰
- ۱.۲. اهداف پژوهش ۱۵
- ۱.۳. قلمرو پژوهش ۱۹
- ۱.۴. روش گردآوری داده ها ۲۱
- ۱.۵. جامعه مورد پژوهش ۲۲
- ۱.۶. پژوهشهای انجام شده ۲۴
- ۱.۷. خلاصه مطالب هر بخش ۲۶

• بخش دوم: تجزیه و تحلیل مقابله ای

- ۲.۱. تجزیه و تحلیل مقابله ای ۲۷
- ۲.۱.۱. تعریف ۲۷
- ۲.۱.۲. نقش تحلیل مقابله ای ۲۷
- ۲.۱.۳. پیشینه ۲۸
- ۲.۲. دستور زایشی گشتاری ۳۲
- ۲.۳. نظریه معیار ۳۷

• بخش سوم: تحلیل مقابله ای نفی در فارسی و انگلیسی

- ۳.۱. پدیده نفی در ساختارهای فارسی و انگلیسی ۳۸
- ۳.۱.۱. طبقه بندی افعال در زبان فارسی ۳۸
- ۳.۱.۲. طبقه بندی افعال در زبان انگلیسی ۴۴
- ۳.۱.۳. جایگاه عنصر نفی در زبان انگلیسی و فارسی ۴۶
- ۳.۲. مقایسه ساختارها ۵۱
- ۳.۲.۱. مخفف سازی ۵۸
- ۳.۲.۲. جایجایی فاعل و فعل ۶۰

- ۶۲..... ۳.۲.۳. نشانه های منفی اسنادی
- ۶۴..... ۳.۳. واحد های منفی ساز
- ۶۴..... ۳.۳.۱. No و هیچ
- ۶۸..... ۳.۳.۲. Neither و هیچیک
- ۷۲..... ۳.۳.۳. Never و هرگز
- ۷۵..... ۳.۴. کلمه های مبهم منفی ساز
- ۷۵..... ۳.۴.۱. Any و هیچ
- ۷۸..... ۳.۴.۲. Either و همینطور
- ۸۰..... ۳.۴.۳. Yet و هنوز
- ۸۲..... ۳.۴.۴. At all و اصلا
- ۸۴..... ۳.۵. جمله های منفی سوالی

• بخش چهارم: بررسی خطاها

- ۸۷..... ۴.۱. جامعه آماری
- ۸۷..... ۴.۲. مواد آزمون
- ۸۸..... ۴.۳. روند آزمون
- ۸۹..... ۴.۴. نتایج بدست آمده
- ۹۵..... ۴.۵. تجزیه و تحلیل داده ها

• بخش پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات آموزشی

- ۹۶..... ۵.۱. خلاصه و نتیجه گیری
- ۹۸..... ۵.۲. پیشنهادات آموزشی
- ۱۰۱..... ۵.۳. پیشنهاداتی برای پژوهش های دیگر
- ۱۰۲..... ۵.۴. تمرین
- ۱۰۵..... کتابنامه فارسی
- ۱۰۶..... کتابنامه انگلیسی

۱_ بخش اول مقدمه

۱-۱- پیشگفتار

دستور زبان به معنی جدید آن علمی است که موضوع آن توصیف ساختمان صرفی و نحوی یک زبان در یک دوره معین است. دستوری که به این صورت نوشته می شود تمام صورتها و ساختهایی را که در زبان به کار می رود مورد توجه قرار می دهد و از انتخاب و تجویز که در دستورهای سنتی شیوه ای رایج است می گریزد، زیرا زبان دستگامی است که اجزای آن، همچون حلقه های یک تور، جدایی ناپذیر و وابسته به هم هستند. این دستگام پیچیده شامل الگوها و روابطی است که مجموعاً ساختمان زبان را پدید می آورند. این الگوها و روابط، انواع متفاوتی دارند که ما می توانیم آنها را در سه سطح یعنی سطح نحوی، سطح واژگانی و سطح آوایی مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. سطح آوایی زبان نظامی است که بین اجزای صوتی زبان وجود دارد که در آن کارکرد آواها و ارتباط آنها با الگوهای دستوری مورد توجه قرار می گیرد و به آن واجشناسی (Phonology) نیز می گویند. سطح واژگانی عبارت است از مجموعه واژگانی (Vocabulary) که اهل زبان در اختیار دارند به همراه روابطی که بین آنها برقرار است.

اما سطح سوم سطح نحوی است، و عبارت است از نظامی که بین عناصر معنی دار زبان وجود دارد. از دیدگاه دستور زبان ساختاری، دستور یا ساختمان زبان مجموع عناصر و واحدهای سازنده گفتار و نیز روابط موجود میان آنها است که دارای ساخت سلسله مراتبی هستند به این معنی که واحدهای کوچکتر در واحدهای بزرگتر بکار رفته اند. این واحدها، از بزرگتر به کوچکتر، عبارت اند از: جمله، جمله واژه، گروه، واژه و تکواژ. در این میان، جمله، به عنوان بزرگترین واحد، خود، شامل گروههای مختلف از جمله گروه فعلی است. گروه فعلی به کلمه یا کلماتی گفته می شود که هسته آنها یک فعل است و اجزای دیگر، وابسته آن هستند. برای نمونه گروههایی مانند: می روم، رفتیم، نمی روم از گروههای فعلی هستند که در عین حال یک

جمله نیز بشمار می آیند.

از آنجا که در زبان فارسی گروه فعلی همراه با شناسه است، در نتیجه گروه‌های فوق در عین حال یک جمله نیز به شمار می آیند. اصطلاح گروه فعلی را نباید با فعل اشتباه کرد. در گروه فعلی معمولاً بیش از یک فعل صرف شده وجود ندارد و بقیه کلمه‌هایی که همراه آن هستند وابسته این فعل صرف شده به شمار می روند. فعل‌ها در زبان فارسی دارای خصوصیات و مقولاتی هستند که به آن وابسته‌های فعل می گویند. برای نمونه گروه فعلی، نمی رسایم [ne + mi + res + id + tam] از اجزای مختلفی چون [ne-] که نشانه نفی است تشکیل شده که به همراه دیگر نشانه‌ها از وابسته‌های فعل به حساب می آیند. از دیگر وابسته‌های فعل عبارتند از: زمان، شخص، وجه، نمود، نشانه نفی، جهت و نشانه‌های اخباری و التزامی (mi- و be-) که همگی ممکن است خصوصیات به فعل اضافه کنند.

اما پدیده نفی که مورد نظر این پژوهش است یکی از وابسته‌های پیشین فعل به شمار می آید. هر فعلی می تواند به صورت مثبت یا منفی بیان شود. بنا بر نظر ابولقاسمی [noit] نشانه نفی در زبان اوستائی است که در فارسی باستان به [naid] و در فارسی میانه [ni:] و در فارسی دری [nei] بدل شده است. و بر طبق نظر صادقی نشانه نفی در فعل‌های زبان فارسی معمولاً [na-] است مانند:

نخواهم رفت / naxa:ham raft / و یا: ندیدم / nadidam / که در برخی از بافت‌های آوایی [ne-] تبدیل به [na-] می شود، مانند: ندارم / nada:ram /

در امر منفی نیز که آن را نهی می نامند، بجای [na-] از [ma-] استفاده می

شود: مرو / maro: / مگو / magu /

نشانه نفی در تمام ساخت‌های افعال ساده بر سر فعل می آید: نرفت / naraft / در فعل‌هایی که با [mi-] شروع می شود، نشانه نفی قبل از [mi-] می آید: نمی رفت / nemiraft / در فعل‌های آینده نشانه نفی بر سر فعل معین خواستن / xa:stan /

می آید: نخواهم رفت /naxa:ham raft/. همچنین در افعالی که با فعل شدن/shodan/ و نظایر آن ساخته می شوند، نشانه نفی بر سر فعل شدن و نظایر آن می آید. مانند: برده نشد /borde našod/. در وجه التزامی و وجه امری، نشانه نفی به جای [be-] قرار می گیرد:

برود /beravad/ < نرود /naravad/ ، برو /boro/ < نرو /naro/

از نظر باطنی، در زبان فارسی عنصر نفی در گروه فعلی دارای یک عضو است که دو گونه دارد: [ne و na]. فرق آنها مربوط به محیط صوتی مختلف است و در توزیع تکمیلی هستند. [ne]، در قبل از [mi-] و [na] در موارد دیگر. برای مثال:

(نمی دید، نمی گفت، نمی رود و نروم، نداد، نرو)

/naro, nada:d, naravam/ و /nemiravad, nemigoft, nemidid/

بین منفی و نهی از نظر عنصر سازنده فرقی نیست، در هر دو مورد از یک عنصر استفاده می شود. ولی اختلاف در وجه فعل است. چنانچه عنصر سازنده منفی با وجه امری بکار رود، نهی خوانده می شود. مانند: نه گو /nagu/، نه رو /naro/ (در نظم و نثر ادبی قدیم عنصر سازنده نهی [ma] بوده است که در فارسی عادی امروزه بکار نمی رود.) و چنانچه با وجه اخباری بکار رود نفی نامیده می شود، مانند:

نه داد /nada:d/، نه گفت /nagoft/، و نه رفت /narafi/.

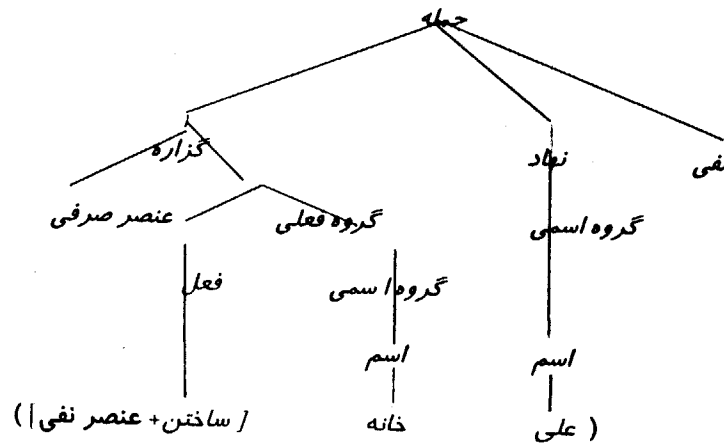
عنصر سازنده منفی در گروه فعلی قبل از افعال ناقص قرار می گیرد، چنانچه فعل ناقص در گروه فعلی موجود نباشد، قبل از عنصر مجهول ساز و در صورتیکه هیچکدام از این دو عنصر موجود نباشند قبل از فعل قرار می گیرد. مانند:

نباید خورد /naba:yad xord/، خورده نشد /xorde nashod/، و نه خورد /naxord/

طبق نظر مشکواه الدینی (دستور زبان فارسی، ۱۳۷۰، ص ۶۶) وجود عنصر نفی در ژرف ساخت جملات زبان فارسی موجب می شود که رو ساخت نیز به صورت جمله ای منفی ظاهر شود، و آن را با مثالی به صورت نمودار درختی نشان

علی خانه ساخت.

می دهد:



از سوی دیگر، پدیده نقی در زبان انگلیسی عنصری است که به هنگام اضافه شدن به یک ساختار، واقعیت گزاره بیان شده آن ساختار را معکوس می کند (تراسک، Trask ۱۹۹۳). این عنصر معمولاً در زبان انگلیسی *not* (*n't*) است، که در جمله های زیر به نمایش در آمده است:

I can speak French. (من می توانم فرانسه صحبت کنم.)

I can't speak French. (من نمی توانم فرانسه صحبت کنم.)

از نظر او عنصر نقی در زبان انگلیسی عاملی است که قسمتی از جمله را به حیظه خود در می آورد. این حیظه ممکن است یک گزاره کامل مانند مثال بالا، و یا پاره ای از آن را در بر گیرد. مانند نمونه زیر:

That book was written by Marya, not by James.

(آن کتاب بوسیله ماریا نوشته شده است، نه جیمز.)

بر خلاف زبان فارسی، در زبان انگلیسی عناصر دیگری می توانند به عنوان عامل نقی در منفی سازی ساختارها دخیل باشند. برای مثال کلمه هیائی مانند: *nothing* (*never, no one, none* و.....) از این جمله اند.

از نظر کریستال (Crystal, ۱۹۹۰)، پدیده نقی فرآیند یا ساختاری است که

بیانگر مفهوم منفی از یک جمله یا قسمتی از آن است. او عنصر نفی را در زبان انگلیسی *not* (*n't*) می‌داند که کلمه‌هایی چون *any*، می‌تواند به همراه آن بکار رود: *I don't have any money.* (من هیچ پولی ندارم.) حال با توجه به تعاریف فوق که در هر دو زبان مورد بررسی قرار گرفت، به تفصیل تحلیل داده‌های حاصل از آزمون در رابطه با این پدیده می‌پردازیم.

۱-۲- اهداف پژوهش

پدیده نفی هر چند در ابتدا ساده بنظر می آید اما در واقع ساختاری است که می تواند برای زبان آموزان تا حدودی مشکل ساز باشد و در نتیجه مانند هر پدیده زبانی دیگر نیاز به بررسی و توجه لازم دارد.

تعاریف مختلفی برای نفی در اکثر کتاب های دستور زبان آمده است اما اغلب آنها تعریف کاملی از نفی ارائه نمی دهند. عده ای آنرا به عنوان متضاد یک ساختار مثبت نگاه می کنند که عدم ویژگی مثبت را بیان می کنند، و یا عمل و حالتی که صورت پذیرفته است. بدین طریق رخداد پدیده نفی در برخی از ساختارهای فارسی و انگلیسی موجب ابهام می گردد، برای مثال جمله:

(۱) - *نیمی از میوه ها خیلی بد نبودند*

/nimi ?az miveha: xeyli bad nabudand /
(*Half of the fruits were not so bad.*)

را نمی توان متضاد جمله زیر دانست:

(۲) - *نیمی از میوه ها خیلی بد بودند.*

/nimi ?az miveha: xeyli bad budand /
(*Half of the fruits were so bad.*)

همچنین ساختارهایی وجود دارند که در آنها عنصر نفی وجود ندارد، با وجود این، به عنوان یک ساختار منفی به حساب می آیند برای مثال:

(۳) - *او از کمک به ما خودداری کرد.*

/?u ?az komak be ma: xodda:ri kard /
(*He refused to help us . .*)